

فصل نامه علمی - تخصصی فقه و حقوق معاصر

سال پنجم، شماره دهم، زمستان ۱۳۹۸

صفحات ۱۰۵ تا ۱۳۸

## حقوق متقابل پلیس و مردم در نظام اسلامی<sup>۱</sup>

شیوا جلال پور<sup>۲</sup>

وحید تندر<sup>۳</sup>

### چکیده:

یگانه راهکار موفقیت پلیس و همچنین رضایتمندی مردم در گرو تبیین حقوق متقابل پلیس و مردم است. این مهم با توجه به آموزه های غنی اسلامی از اهمیت بیشتری برخوردار است. بنابراین سوال اصلی پژوهش عبارت است از « مردم و پلیس در نظام اسلامی از چه حقوقی برخوردار هستند؟ ». فرضیه پژوهش آن است

<sup>۱</sup> - تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۱

<sup>۲</sup> - استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. (نویسنده عهده دار مکاتبات).

Sh.jalalpoor@yahoo.com

<sup>۳</sup> - دانشجوی کارشناسی ارشد گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

که بر اساس مبانی اسلامی و قوانین موضوعه ایران یک سلسله حقوق برای مردم بر دوش پلیس و بالعکس قرار داده شده است. روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی است. یافته پژوهش آن است که حق امنیت، حق اعتماد، حق برخورداری از کرامت، حق دسترسی به اطلاعات، حق برخورداری از برابری و حق تظلم خواهی از جمله حقوق مردم بر پلیس در نظام اسلامی است. حق برخورداری از کرامت، حق اعتماد، حق برخورداری از نصیحت و حق اعمال قانون نیز از جمله حقوق پلیس بر مردم در نظام اسلامی محسوب می شود.

واژگان کلیدی: پلیس، حقوق متقابل، نظام اسلامی، آموزه های اسلامی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## ۱- بیان مساله

امروزه در اجتماعات بشری، ارتباط با مردم و رعایت حقوق آنها از جایگاه ویژه ای برخوردار است؛ راهبرد ارتباط مردم با پلیس در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی نشان دهنده روح دموکراسی و مردم سالاری حکومت و دولتهاست. بدون وجود اعتماد مردم به پلیس، جلب و همکاری و ارتباط آنها غیر ممکن است و در این شرایط برقراری امنیت تنها با زور و اجبار و آن هم برای مدتی کوتاه و گذرا امکان پذیر است؛ پس یکی از طرح های ایجاد محیط امن و تامین احساس امنیت مردم، جلب اعتماد آنها به پلیس به عنوان یکی از کارگزاران حکومتی است. پلیس با انجام فعالیت های خود سعی دارد تا امنیت فردی، اجتماعی و ملی را در جامعه ایجاد و به تقویب احساس امنیت در میان اقشار مختلف پردازد؛ به همین دلیل این همین زمانی به نحو شایسته و جامعه تحقق خواهد یافت که با همکاری و ارتباط آحاد مردم همراه باشد، بنابراین موفقیت تنها زمانی حاصل خواهد شد که پلیس و مردم در کنار هم برای یافتن راه حل تلاش کنند. در این همکاری نحوه برقراری ارتباط و برخورد مناسب پلیس با مردم، نقشی اساسی ایفا می کند؛ روابط انسانی رشته ای است که انسان ها را در کنار یکدیگر حفظ می کند؛ ارتباط مناسب پلیس با مردم نقش حیاتی در بهبود روابط و برقراری و حفظ امنیت و در آخر کاهش جرایم خواهد داشت.

بر این اساس و به جهت تبیین الگوی صحیح رابطه بین مردم و پلیس باید حقوق متقابل مردم و پلیس تبیین گردد تا از رهگذر تبیین این حقوق الگوی صحیح

رفتاری استخراج گردد. به خصوص تبیین این حقوق در نظام اسلامی از اهمیت بیشتری برخوردار است. منظور از نظام اسلامی یا نظام سیاسی دینی به نوعی از نظام سیاسی اطلاق می شود که بر پایه مبانی دینی بنیان نهاده شده باشد. به عبارت دیگر «حکومت دینی» آن است که هماهنگ با تعالیم دینی و بر اساس «دین» باشد و دست کم در هیچ زمینه‌ای، با آموزه‌های دینی ناسازگار ننماید. لذا تبیین حقوق متقابل مردم و پلیس در نظام اسلامی از اهمیت بسزایی برخوردار است.

## ۲- حقوق متقابل مردم و پلیس در اسلام

### ۲-۲-۱- حقوق مردم

#### ۲-۲-۱-۱- حق امنیت

در نگاه اسلام، یکی از مهمترین فلسفه حکومت، برقراری امنیت در جامعه است. حاکمان موظفند که با هر تعدی و تجاوزی که باعث سلب امنیت در جامعه می شود مبارزه کنند. قرآن کریم امنیت را یکی از اهداف استقرار حاکمیت الله و استخلاف صالحان و طرح امامت شمرده است و می فرماید:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا.»

چنانکه ملاحظه می شود در این آیه شریفه هدف از برقراری حکومت صالحان و مومنین، سه چیز برشمرده شده است. استقرار دین الهی، امنیت و عبادت خدا بدون

شرک. قرار دادن امنیت همسنگ استقرار دین الهی و توحید خداوند متعال نشانگر اهمیت بسیار زیاد این مقوله در حقوق اسلام است چنانکه احکام بسیار زیادی به دنبال تأمین امنیت برای شهروندان است. از حدی بودن محاربه و افساد فی الارض که سخت ترین مجازات ها را دربردارد، دفاع مشروع برای حفظ تن و سایر حقوق مشروع به عنوان عامل موجهه جرم، منع ورود و حتی نظاره به منزل دیگری و دهها حکم دیگر و مهمتر از همه اصل تقیه در اسلام، همه برای برقراری امنیت فردی و اجتماعی شهروندان مقرر شده اند.

حضرت علی علیه السلام ایجاد امنیت و آرامش را تا آنجا ضروری می داند که وجود حکومت را اگرچه حکومت جائرانه باشد لازم می داند: «همانا که مردم به زمامدار - چه خوب و چه بد - نیازمندند تا مؤمنان در سایه حکومت به کار خود مشغول و کافران هم بهره مند شوند و مردم در سایه حکومت زندگی کنند و به وسیله زمامدار، بیت المال جمع آوری می شود و به کمک آن با دشمنان مبارزه می توان کرد. جاده ها امن و امان می گردد و حق ضعیفان از نیرومندان گرفته می شود. نیکوکاران در رفاه و ازدست بدکاران در امان می باشند» (نهج البلاغه، خطبه ۴۰)

حضرت علی علیه السلام یکی از فلسفه های پذیرش حکومت خود را، ایجاد امنیت و اصلاحات در جامعه معرفی می کند: «بار خدایا تو می دانی که جنگ و درگیری ما برای بدست آوردن قدرت و حکومت و دنیا و ثروت نبود بلکه می خواستیم که نشانه های دین تو را در جایگاه خویش

بازگردانیم و در سرزمین های تو اصلاح را ظاهر کنیم تا بندگان ستمدیده ات در امنیت زندگی کنند و قوانین و احکام فراموش شده ات بار دیگر اجرا گردد.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱)

بنابراین یکی از وظایف مهم حاکمیت و نظام اسلامی ایجاد امنیت و برقراری آن است. معمولاً برقراری امنیت توسط نیروهای نظامی، انتظامی و اطلاعاتی ایجاد می شود. پلیس به عنوان نیروی انتظامی در نظام اسلامی نیز یکی از مجریان و محافظان امنیت است. پلیس باید توجه داشته باشد ایجاد و برقراری امنیت یکی از حقوق مردم است که هم بر اساس آموزه های دینی و هم بر اساس احکام عقلی و سیره عقلای عالم بر عهده نیروهای انتظامی گذاشته شده است بنابراین باید همواره به عنوان یک حق مردم بدان توجه نماید و همواره در راستای احیای این حق کوشش نماید.

حق امنیت دارای شئون و مصادیق مختلفی است: امنیت در برابر تجاوز بیگانگان (امنیت خارجی)، امنیت در برابر سارقان، متجاوزان و... (امنیت داخلی). هر دو مصداق امنیت از حقوق عامه مردم است که توسط نیروهای نظامی و انتظامی و در راس آنها «پلیس» باید تامین گردد.

در قوانین موضوعه ایران به حق امنیت شهروندان تاکید فراوانی شده است. در قانون اساسی ایران برای به رسمیت شناختن امنیت شهروندان هم در برابر هیأت حاکمه و هم در برابر سایر شهروندان، اصول عدیده ای طراحی و تدوین شده است که مهمترین آنها اصل ۲۲ قانون اساسی است که مقرر می دارد: «حیثیت،

جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند». این اصل، عام است و به دنبال تضمین مصونیت حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص، هم در برابر دولت و هم در برابر شهروندان می باشد. در اصل ۲۵ قانون اساسی نیز مصونیت ارتباطاتی شهروندان از هر نوع تجسس و سانسور مقرر شده است. برای تضمین این اصول نیز اصل ۳۴ توسل به حمایت دولتی را با اجرای حق دادخواهی برقرار کرده است.

لازمه امنیت فرد در برابر هیأت حاکمه، شناسایی قانونی اصل برائت و اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها و رسیدگی به آنهاست که به طرز جالبی در اصول عدیده قانون اساسی به این امر پرداخته شده است. شاید دلیل این امر این نکته باشد که قانون اساسی از سوی کسانی نوشته شده است که خود در طی مسیر انقلاب، بارها از هیأت حاکمه سابق زیان دیده و با تمام وجود ناامنی حاصل از رفتار حاکمیت را به عینه دیده بودند. به هر حال این اصول، به دنبال اصل حاکمیت قانون از بازداشت تا اجرای حکم هستند. اصل ۳۲ راجع به بازداشت قانونی، اصل ۳۵ راجع به حق انتخاب وکیل، اصل ۳۶ راجع به قانونی بودن مجازات و اجرا آن تنها از طریق دادگاه صالح، اصل ۳۷ راجع به اصل برائت و اصل رسیدگی قانونی به اتهامات، اصل ۳۸ راجع به منع شکنجه و ممنوعیت کسب ادله به طرق غیرقانونی، اصل ۳۹ راجع به ممنوعیت هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده است و اصل ۱۶۹ راجع به اصل قانونی بودن جرایم، مجموع اصول جامعی هستند که امنیت شهروندان را در برابر تجاوزات و تعدیات هیأت حاکمه تضمین می کند.

همچنین بر اساس قوانین موضوعه ایران، نیروی انتظامی و پلیس یکی از مجریان و حافظان اصلی امنیت معرفی شده است. در ماده ۳ و ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۶۹) به این مطلب تاکید شده است.

بنابراین بر اساس قوانین موضوعه ایران نیز حق برخورداری از امنیت یکی از حقوق مردم است که بر اساس قانون بخش مهمی از وظیفه تامین امنیت بر عهده نیروی انتظامی و پلیس گذاشته شده است و پلیس در نظام اسلامی باید حداکثر توان خود را به کار بگیرد تا به بهترین نحو از این حق مهم عمومی حفاظت و حراست گردد.

#### ۲-۱-۲-۲-حق اعتماد

اعتماد یکی از مهمترین اصول اجتماعی است و تا بدان جا اهمیت دارد که می توان گفت بقای انواع سیستم ها و نظام های اجتماعی وابسته به وجود اعتماد و بروز و ظهور آن است. از آنجایی که پلیس نیز به عنوان یک نهاد مهم در اجتماع حضور مستقیم و فعال دارد برای کسب موفقیت در انجام وظایف و ماموریت های خود نیازمند جلب اعتماد عمومی است. چه اینکه اگر اعتماد عمومی از سوی شهروندان نسبت به پلیس وجود داشته باشد همگی نهایت کوشش خود را مبذول می دارند تا پلیس به بهترین وجه به وظیفه خود عمل نماید. از سوی دیگر وقتی به مقوله اعتماد و رابطه آن فی مابین پلیس و مردم نظر می کنیم می توانیم این موضوع را به عنوان یکی از حقوق مردم که توسط پلیس باید ایجاد شود قلمداد نماییم. توضیح اینکه در همه جوامع و در هنگامه بروز مشکلات مردم تنها نهادی که به صورت قانونی حق ورود به نزاع ها و ... را دارد پلیس می دانند لذا پلیس به نحوی ملجا و



پناهگاه مردم محسوب می شود از این رو باید این پنگاه مورد اعتماد کامل باشد تا مبدا خود مشکلی بر مشکلات بیفزاید بدین خاطر موضوع اعتماد به پلیس از اهمیت بالایی برخوردار است.

به عبارت دیگر همانطور که اصل برخورداری از پلیس از حقوق مردم بر حاکمیت است یکی از لوازم تحقق و فایده مندی و نفع رسانی پلیس به مردم و تبسته به مورد اعتماد بودن پلیس است. چه اینکه اگر پلیس مورد اعتماد نباشد کارایی و فلسفه وجودی خود را از دست می دهد بنابراین باید به عنوان یک حق فرعی که بر حق اصلی برخورداری از پلیس متفرع می گردد باید حق اعتماد به پلیس و برخورداری از پلیس مورد اعتماد به حقوق مردم نسبت به پلیس بیفزاییم.

مساله اعتماد به پلیس مورد توجه جامعه شناسان و روانشناسان قرار گرفته است. به عنوان نمونه تایلر در ارتباط با اهمیت اعتماد معتقد است اعتماد شهروندان به پلیس خیلی مهم و با ارزش است زیرا به همکاری داوطلبانه مردم با پلیس منجر می شود و همکاری داوطلبانه بسیار مهم است زیرا در چنین حالتی مردم نسبت به جامعه خود احساس مسئولیت کرده در نتیجه نیاز به اعمال کنترل اجتماعی رسمی کاهش می یابد (Tyler, ۲۰۰۵, p. ۳۳۸) تایلر اعتماد مبتنی بر نیت را از اعتماد حسابگراییانه (Calculative trust) متمایز می کند. اعتماد حسابگراییانه از نظر او بر این اصل استوار است که می توان پیش بینی کرد که دیگران چگونه رفتار خواهند کرد، اما اعتماد مبتنی بر نیت شامل استنباط روح و نیتی است که رفتار را شکل می دهد؛ شهروندان در برخورد با پلیس و قضات بر موضوع حسن نیت تمرکز

می‌کنند. اگر آن‌ها اعتقاد داشته‌اند که مراجع قانونی با حسن نیت عمل می‌کنند از روی میل و اراده از مقررات پیروی خواهند کرد (Tyler, ۲۰۰۱(a), p. ۳۳۶).

از نظر تایلر برای تبیین اعتماد عمومی به پلیس سه مدل وجود دارد که عبارتند از:

۱- مدل ابزاری (عملکرد) که حفظ اعتماد عمومی به پلیس را مربوط به عملکرد پلیس و موفقیت آن‌ها در انجام وظایفش می‌داند مثلاً موفق بودن در کنترل جرم و بی‌قانونی در نواحی شهری. از نظر این دیدگاه مردم وقتی احساس می‌کنند پلیس در برخورد با جرم و جنایت مؤثر و کارآمد است از پلیس حمایت و پشتیبانی خواهند کرد.

۲- مدل عدالت توزیعی (Distributive Justice Model) که توزیع عادلانه و منصفانه خدمات پلیس را در جلب اعتماد شهروندان مؤثر می‌داند؛ یعنی این‌که اگر خدمات پلیس نسبت به تمام شهروندان صرف‌نظر از هر نژاد و قومیت و مذهبی که دارند عادلانه توزیع شود باعث می‌شود که مردم بیشتر پلیس را قابل اعتماد بدانند.

۳- مدل فرایند محور سومین مدل است که به‌طور معمول عدالت رویه‌ای خوانده می‌شود. از نظر این دیدگاه، عامل اصلی شکل‌گیری اعتماد و اطمینان به پلیس و حفظ همکاری مردم، ارزیابی آنان از منصفانه بودن تصمیم‌گیری‌ها و محترمانه بودن رفتار پلیس هنگام استفاده از اقتدار خود و اعمال قوانین و یا هنگام برخورد و تماس شهروندان با آن‌ها است. در واقع مدل عدالت رویه‌ای اشاره به این دارد که کلید اصلی اعتماد و حمایت عمومی از پلیس تنها مربوط به عملکرد پلیس در

کنترل جرم و جنایت نیست بلکه در شیوه‌ای که پلیس در برخورد با شهروندان در پیش می‌گیرد، است (Tyler, ۲۰۰۵, p.۳۳۸).

از نظر تایلر عدالت رویه‌ای در اصل به وسیله تیبو و واکر در زمینه تمایل افراد برای پذیرفتن تصمیمات دادگاه‌ها به کار برده شده است. بر طبق استدلال این محققان، مردم وقتی احساس می‌کنند رویه‌ها یا روش‌های دادگاه عادلانه و منصفانه است، بیشتر با میل و اراده خود تصمیمات دادگاه را خواهند پذیرفت (Tyler, ۲۰۰۱(b), p.۲۱۶) عدالت رویه‌ای نقش مهمی در شکل دادن به دیدگاه‌های مردم در ارتباط با مشروع و معتمد بودن پلیس دارد، در واقع پلیس برای موفقیت در کنترل جرم و حفظ نظم اجتماعی تنها به حمایت سیاسی نیاز ندارد بلکه آن‌ها به همکاری و حمایت شهروندان بسیار نیاز دارند؛ همکاری شهروندان با پلیس تنها زمانی که پلیس را در کنترل جرم در جامعه و حفظ نظم اجتماعی مؤثر می‌بینند، مربوط نمی‌شود، اما همچنین وقتی که شهروندان پلیس را مشروع و شایسته اطاعت بدانند، همکاری آن‌ها نیز افزایش پیدا می‌کند؛ مشروع بودن پلیس از نظر مردم به وسیله دیدگاه مردم درباره رویه عادلانه شکل می‌گیرد: یعنی پلیس در برخورد با اعضای جامعه منصفانه و عادلانه رفتار بکند (Tyler and Fagan, ۲۰۰۸, p.۲۶۷)

اگر مردم تجربه مثبت از رویه عادلانه در تجربه برخورد شخصی با پلیس داشته‌اند صرف‌نظر از هر نتیجه شخصی که برایشان داشته است اعتماد و اطمینان آن‌ها به پلیس افزایش پیدا می‌کند (Tyler and Fagan, ۲۰۰۸, p.۲۴۲)

در واقع دیدگاه عدالت رویه‌ای استدلال می‌کند که مشروعیت پلیس با قضاوت مردم در مورد عادلانه و منصفانه بودن روش‌ها و رویه‌هایی که پلیس در تصمیم‌گیری‌ها و اعمال قانون به کار می‌برد ارتباط دارد. با توجه به این مدل، اگر قضاوت مردم این است که مقامات پلیس از روش‌ها و رویه‌های عادلانه استفاده می‌کنند، در این حالت پلیس را مشروع قلمداد کرده و در نتیجه همکاری بیشتری با پلیس خواهند داشت. بالعکس اتخاذ رویه ناعادلانه توسط مقامات پلیس به از خودبیگانگی، بی‌اعتنایی و عدم همکاری شهروندان با آن‌ها منجر می‌گردد.

(Sunshine and Tyler, ۲۰۰۳, p. ۵۱۴)

تایلر (۲۰۰۴) جنبه‌های عدالت رویه‌ای را در تصمیم‌گیری‌های پلیس مشخص کرده است که عبارتند از:

۱- مشارکت فعال شهروندان در تصمیمات (فرصت و اجازه وارد شدن در تصمیمات را داشتن) قبل از گرفتن تصمیم توسط پلیس (به عنوان مثال مردم فرصت ارائه دیدگاه‌ها یا رفتارشان را قبل از این‌که پلیس در ارتباط با موضوع و یا وضعیت آن‌ها اقدامی به عمل آورد یا حکمی صادر کند داشته‌اند)؛

۲- بی‌طرفانه و بی‌غرضانه بودن تصمیمات پلیس؛

۳- رفتار مؤدبانه و محترمانه پلیس با مردم. (Hinds & Murphy, ۲۰۰۷, p. ۲۹)

(p. ۲۹)

به نظر تایلر اهمیت تحقیقات عدالت رویه‌ای در این است که یافته‌های آن‌ها بر دوام‌پذیری و تداوم مدل‌های نظمی که مبتنی بر انگیزه‌های خود تنظیمی است تأکید دارند. تحقیقات نشان داده‌اند که مردم وقتی که اقدامات سیستم (عدالت کیفری، قضایی) و مقامات را عادلانه تجربه کنند بدون ترس از مجازات شدن (ترس از تنبیه شدن) از قوانین اطاعت خواهند کرد. از این‌رو، این‌ها مدل‌های نظم اجتماعی بادوام فعال هستند که پیامدهای منفی مرتبط رویکردهای تحریمی و تنبیهی شکستن قوانین را ندارند. (Tyler, ۲۰۰۶, p.۳۰۹)

در مجموع به نظر تایلر اعتماد شهروندان به پلیس تنها تحت تأثیر ارزیابی شهروندان از توانایی پلیس در مبارزه علیه جرم و جنایت و حفظ نظم و امنیت جامعه نیست بلکه رفتار محترمانه، منصفانه و عادلانه پلیس با شهروندان، نقش مهمی در جلب اعتماد شهروندان دارد در واقع از نظر تایلر اعمال عدالت رویه‌ای در برخورد با شهروندان، تمکین و احترام را تشویق می‌کند و احتمال تضاد و خشونت را کاهش می‌دهد و اعتماد و اطمینان شهروندان به پلیس را افزایش می‌دهد.

عدالت رویه‌ای از نظر تایلر (۲۰۰۶) به معنی انصاف و عدالت درک شده از روش و رویه‌های به کار برده شده در تصمیم‌گیری و رفتار تصمیم‌گیرندگان است که تصمیم‌گیرنده می‌تواند قاضی، پلیس و... است. (Murphy, ۲۰۰۹, p.۱۶۱)

در تعریف عملیاتی از عدالت رویه‌ای مورد نظر تایلر نیز گفته شده است: این سازه با سه بعد کیفیت تصمیم‌گیری، کیفیت رفتاری و مشارکت دادن شهروندان در تصمیمات از طرف پلیس مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس برخی

پژوهشهای مبتنی بر دیدگاه تایلر معرف‌های سازه‌ی عدالت رویه‌ای عبارتند از؛ تصمیم‌گیری‌های بی‌طرفانه پلیس، چگونگی و کیفیت رفتار پلیس با شهروندان، فرصت دادن پلیس به شهروندان برای اظهارنظر کردن قبل از دادن حکم یا تصمیم‌گیری درباره موضوع مورد نظر، میزان دسته‌بندی قومی و مذهبی از طرف پلیس. این معرف‌ها با ۱۷ گویه شش‌گزینه‌ای که برگرفته از پرسشنامه تحقیق تایلر (۲۰۰۵) هستند، مورد آزمون قرار گرفته‌اند. در کل نتایج بیانگر این است که عدالت رویه‌ای پلیس در مقایسه با عملکرد پلیس تأثیر بیشتری در میزان اعتماد پاسخگویان به پلیس داشته است که این نتیجه مؤید دیدگاه تایلر است؛ به نظر تایلر در پیش گرفتن رویه‌های منصفانه و عادلانه از طرف پلیس به تمکین و احترام شهروندان به پلیس منجر خواهد شد و مشروعیت پلیس را افزایش خواهد داد، در نتیجه اعتماد شهروندان به پلیس جلب خواهد شد. در واقع به نظر وی کلید اصلی شکل‌گیری اعتماد و اطمینان به پلیس و حفظ همکاری مردم ارزیابی منصفانه بودن تصمیم‌گیری‌ها و محترمانه بودن رفتار پلیس هنگام استفاده از اقتدارش و اعمال قوانین و یا هنگام برخورد و تماس شهروندان با آنها است. (علیزاده اقدم و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۹-۲۰)

لکن حال دیدگاه دیگری دارد. به عقیده حال اعتماد به پلیس را می‌توان باور و اعتقاد درباره صلاحیت و توانایی پلیس در انجام و عمل به وظایف و نقش‌های ویژه آنها تعریف کرد. این شامل دستگیر کردن مجرمان و جلوگیری از جرم و جنایت و همچنین دفاع کردن از ارزش‌ها و هنجارهایی که نظم اجتماعی بر پایه آنها بنا شده است. (Hohl, ۲۰۱۱, p. ۴)

برای عملیاتی سازی مفهوم اعتماد به پلیس نیز سنجه های ارائه شده است. این سنجه ها در دو بعد اعتماد نهادی و اعتماد مبتنی بر نیت مشخص شده است. معرف های اعتماد نهادی شامل صادق بودن پلیس، حمایت از شهروندان، در نظر گرفتن منافع مردم، گرفتن تصمیم های منصفانه، توانایی انجام وظایف، شایسته اطاعت بودن، مناسب بودن رویه ها و اقدامات آن ها است. معرف های اعتماد مبتنی بر نیت عبارتند از: در نظر گرفتن دیدگاه شهروندان از طرف پلیس، توجه به نیازها و نگرانی های شهروندان، توضیح صادقانه پلیس برای اقدامات خود در قبال شهروندان. همچنین این نتیجه مطابق با نتایج تحقیقات تایلر (۲۰۰۵)، شاپ (۲۰۱۲)، هیندز و مورفی (۲۰۰۷)، رایسیج و لوی (۲۰۰۹) است، به طوری که نتایج تحقیقات آن ها بیانگر این است که عدالت رویه ای متغیر مهم و تأثیرگذار بر میزان اعتماد شهروندان به پلیس بوده است. (علیزاده اقدام و همکاران، ۱۳۹۵، ۱۸)

### ۳-۱-۲-۲-حق برخورداری از کرامت

کرامت انسانی یکی از اصولی است که مورد تاکید خداوند متعال قرار گرفته است. خداوند متعال در این باره در قرآن کریم می فرماید: «به یقین فرزندان آدم را کرامت دادیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب هایی که در اختیارشان گذاشتیم] سوار کردیم، و به آنان از نعمت های پاکیزه روزی بخشیدیم، و آنان را بر بسیاری از آفریده های خود برتری کامل دادیم.» (اسراء: ۷۰)

بنابراین باید کرامت انسانی در کانون توجهات قرار گیرد و علاوه بر حاکمیت این اصل در روابط مردم با مردم، این اصل یکی از اصول مهم در روابط بین مردم و

حاکمیت و دستگاه‌ها و نهادهای قانونی دولتی و غیر دولتی یک جامعه محسوب می‌شود. پلیس نیز به عنوان یکی از نهادهایی که رابطه بسیار پرحجم و متراکمی را با مردم تجربه می‌کند باید همواره به اصل کرامت انسانی توجه نماید. و این نکته را مد نظر داشته باشد که وقتی خداوند خالق انسان، انسان را با کرامت و برتر آفریده است این در حقیقت از اراده خداوند نیز خبر می‌دهد که خداوند می‌خواهد همانطور که انسان‌ها را با کرامت آفریده است این کرامت نیز حفظ شود و توسط زمینیان کرامت انسانی خدشه دار نشود.

باید توجه داشت که اصل رعایت کرامت انسانی مفهومی است عمیقاً متافیزیکی، اخلاقی و همچنین فلسفی و مذهبی. چنان که موتو (Moutouh) در نوشتار خود با عنوان «کرامت انسانی در حقوق» بیان داشته است که دیگر این امکان وجود ندارد تا مسأله کرامت، خارج از حوزه حقوق قرار بگیرد. از این به بعد باید اینگونه عنوان داشت که کرامت از یک سو به وسیله حقوق دریافته شده و پذیرفته شده است و از سوی دیگر، بررسی کرامت بدون در نظر گرفتن حقوق و بررسی حقوق بدون رعایت الزامی کرامت انسانی، در حقیقت ناممکن می‌باشد. (Moutouh, ۱۹۹۹, p. ۱۶۳-۱۶۶) به نظر برخی حقوقدانان، کرامت یک حق ساده شخصی است که به فرد تعلق دارد، در حالی که به نظر برخی دیگر کرامت فراتر از اینگونه از تعاریف قرار دارد. از نظر این دسته، هرچند میان حقوق و کرامت هیچ تفاوتی از نظر درجه وجود ندارد؛ اما این دو از نظر ماهیت متفاوتند (Divellec Le et Villiers, ۲۰۱۳, p. ۱۲۵-۱۲۶) در واقع، می‌توان با توجه به نظر برخی نویسندگان عنوان داشت که کرامت ستونی را تشکیل می‌دهد که بر پایه آن، فلسفه حقوق بشر بنا



نهاده می شود که خود اصلی است فرا اساسی. (خانی والی زاده، ۱۳۹۷، ص ۳۳-۳۴) برخی از حقوقدانان نیز با در نظر گرفتن جایگاه والای کرامت انسانی، بر لزوم رعایت کرامت افراد و نقش آن در اجرای حقوق بنیادین افراد تأکید ورزیده اند (بابایی مهر، ۱۳۹۳، ۱۳۹؛ هداوند، آقایی طوق، ۱۳۸۹، ۲۴۹-۲۵۰؛ کاتوزیان، ۱۳۸۶، ۳۲۴)

در حقیقت رعایت کرامت انسانی آنچنان دارای اهمیت می باشد که به طور قطع به عنوان پایه اساسی بسیاری از حقوق انسانی در نظر گرفته می شود. از آنجایی که این اصل در اعلامیه ها و معاهدات بین المللی متعددی نیز ذکر شده است؛ در حال حاضر کرامت انسانی علاوه بر این که به عنوان یک حق یا مجموعه ای از حق های جدایی ناپذیر در نظر گرفته شده، به عنوان یک ستون و پایه حقوق بشر در نظر گرفته شده و توسعه پایدار هر جامعه ای، رعایت آن را طلب مینماید؛ در غیر اینصورت، ارزشهایی همانند آزادی و برابری، دیگر به اندازه کافی دارای مفهوم نبوده و رنگ خواهند باخت (حیب زاده و رحیمی نژاد، ۱۳۸۷: ۵۱ به بعد). اهمیت اصل کرامت تا بدانجا می باشد که در نظر برخی، این اصل در کنار آزادی توأم با مسئولیت افراد ملت در برابر خداوند به عنوان شرط ادامه حیات نظام جمهوری اسلامی در نظر گرفته شده است (هاشمی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۴) به عبارت دیگر، اعتقاد به این اصل به طور حتم یکی از مهمترین تضمیناتی است که لازمه حفظ مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران می باشد و بالتبع حفظ مشروعیت و بقای پلیس نظام اسلامی نیز در گروی توجه و حفظ کرامت انسانی است.

همچنین باید توجه داشت باید توجه داشت که در میان قوانین و مقررات مربوط به حوزه حقوق اداری ایران، بسیاری از مواد قانونی به ذکر اهمیت کرامت انسانی پرداخته اند. برای نمونه، سیاستهای کلی برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۷، قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب هشتم مهرماه ۱۳۸۶، سیاستهای کلی نظام اداری ابلاغ شده توسط مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۹ و برنامه تحول نظام اداری مصوب ۱۳۸۹ قابل ذکر میباشند.

بدون تردید یکی از مهمترین قوانینی که در این مورد تصویب شده، سند چشمانداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی میباشد که در سال ۱۳۸۲ از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ گردیده است. مطابق این سند که یکی از اسناد بالادستی بسیار مهم در سلسله مراتب نظام حقوقی ایران میباشد، «جامعه ایرانی در افق این چشم انداز بیست ساله چنین ویژگیهایی خواهد داشت: توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزشهای اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر: مردم سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسانها و بهره مند از امنیت اجتماعی و قضایی.» با توجه به اهمیت اصل کرامت انسانی، نمی توان از تأثیرات قابل توجه یکی از مصوبات موجود در حقوق اداری ایران چشم پوشی نمود. مصوبه طرح تکریم مردم و جلب رضایت ارباب رجوع در نظام اداری که توسط شورای عالی اداری در ۲۵ فروردین سال ۱۳۸۱ به تصویب رسیده، در بر گیرنده نکات ارزنده ای در خصوص بحث حاضر میباشد؛ چرا که این مصوبه به شکل

مستقیم در مورد اصل کرامت افراد تصویب شده است و در خصوص حقوق آنها و روابط میان اداره و افراد بحث میکند. در هر حال و با وجود نواقصی که در نظام اداری جمهوری اسلامی ایران به چشم میخورد، آنچه غیرقابل بحث است، تصویب این مصوبه و صرف لزوم پرداختن به بحث کرامت مراجعه کنندگان توسط دستگاه های اداری از جمله پلیس میباشد که اهمیت لزوم رعایت کرامت شهروندان را در حقوق اداری ایران بیش از پیش عیان میسازد. در نتیجه، آنچه بدیهی به نظر میرسد این است که به تدریج، چنین مصوبه های به پویایی و پیشرفت ادارات و نهادهای عمومی پلیس منجر خواهد گردید.

#### ۴-۱-۲-۲-حق دسترسی به اطلاعات

بر اساس ادله قرآنی می توان گفت انسان ها می توانند به صورت آزاد از اطلاعات و اخبار بهره ببرند و تنها باید به منابع خبر توجه کنند تا در تصمیم گیری های خود دچار اشتباه نگردند. خداوند متعال در این باره می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر فاسقی برای شما خبری مهم آورد تحقیق کنید، مبدا (از روی زودباوری و شتابزدگی تصمیم بگیرید و) ناآگاهانه به گروهی آسیب رسانید، سپس از کرده ی خود پشیمان شوید.» (حجرات: ۶)

این آیه شریفه به خوبی توجه می دهد که انسان ها در جریان زندگی از اخبار و اطلاعات بهره می ببرند و زندگی اساسا بدون خبر و اخبار توسط دیگران میسر و میسر نمی باشد بنابراین یک سیره عقلایی و عرفی بین مردمان است و تنها قرآن بر وثوق منشا و منبع اخبار تاکید می نماید. بنابراین یکی از حقوق اولیه انسان ها

که به صورت متداول در جوامع مختلف وجود دارد بهره مندی از اطلاعات و اخبار است.

در قوانین موضوعه ایران نیز حق دسترسی آزاد به اطلاعات و اخبار مورد تاکید قرار گرفته است. این حق از چنان اهمیت و جایگاهی نزد قانونگذار ایران برخوردار است که بدین منظور قانونی مستقل تحت عنوان «قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» را به تصویب رسانده است.

همچنین در فصل سوم قانون مطبوعات ایران آمده است: «در ایران مطبوعات حق دارند نظرات، انتقادهای سازنده، پیشنهادهای، توضیحات مردم و مسئولین را با رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه درج و به اطلاع عموم برسانند و همچنین هیچ مقام دولتی و غیردولتی حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله‌ای درصدد اعمال فشار بر مطبوعات برآید یا به سانسور و کنترل نشریات مبادرت ورزد»

بنابراین بر اساس قوانین موضوعه ایران دسترسی اطلاعات و اخبار یکی از حقوق عامه مردم محسوب می شود هرچند این دسترسی دارای استثنائات و محدودیت هایی نیز می باشد. از این رو و با توجه به قوانین موضوعه ایران باید پذیرفت که پلیس در این باره باید این حق عمومی مورد عنایت قرار دهد و از دسترسی شهروندان به اخبار و اطلاعات ممانعت به عمل نیاورد. یکی از جلوه های دسترسی آزاد به اطلاعات و اخبار در روابط بین مردم و پلیس عبارت از اطلاع از وضعیت پرونده ها، حوادث و... می باشد. به عبارت دیگر مردم همواره از پلیس انتظار دارند در پرونده ها و هنگام بروز حوادث دقیق ترین و صحیح ترین اطلاعات و اخبار

را از پرونده و یا حادثه مرتبط با شخص در اختیار وی و نزدیکان وی قرار دهد. بنابراین اطلاع رسانی به موقع درباره پرونده هایی که در حوزه قضایی کلاسترهای تشکیل می شود و همچنین حوادث و اتفاقات که برای اشخاص به وقوع می پیوندد یکی از وظایف مهم پلیس در راستای توجه به حق دسترسی آزاد به اطلاعات و اخبار می باشد.

همچنین در خصوص اطلاع رسانی از وضعیت جاده های کشور و تردد در آنها وظیفه پلیس راهور اطلاع رسانی به موقع به عموم شهروندان است تا از خطرات احتمالی و بروز حوادث جلوگیری به عمل آید.

#### ۵-۱-۲-۲- برخورداری از حق برابری

بر اساس ادله قرآنی و روایات اسلامی، انسان ها در برخورداری از امکانات و حقوق مختلف تساوی و برابری دارند. قرآن کریم با نفی ویژگی های برتری جویانه همچون نژاد، رنگ پوست، قومیت، جنسیت و... ملاک اصلی برای برتری نزد خدا را تقوی می داند و می فرماید: «ان اکرمکم عندالله اتقاکم» و یا سخن از برادری مومنان با یکدیگر می کنند «انما المومنون اخوه» که این نشان از برابری و محبت بدون برتری جویی مومنین نسبت به یکدیگر دارد. در سفارش امیرالمومنین علی (ع) به مالک اشتر که استاندار منصوب ایشان بود می خوانیم: «مهریانی و محبت و لطف به رعیت را شعار قلب خود قرار ده، بر رعیت همچون حیوان درنده مباش که خوردن آنان را غنیمت دانی، که رعیت بر دو گروهند: یا برادر دینی توآند، یا انسانهایی مانند تو». (نهج البلاغه: نامه ۵۳) این سفارش در حقیقت اشاره به یک

اصل در حکم رانی و مدیریت امور مردم دارد و آن اصل عبارت است از محبت، لطف و مهربانی مساوی نسبت به مردم و عدم برتری آنان بر دیگری. آنجایی که علی(ع) می فرماید «فَأِنَّهُمْ صِئْفَانِ: إِمَّا أَحْكُكُمْ فِي الدِّينِ، وَإِمَّا نُنظِرُكُمْ فِي الْخَلْقِ» اشاره به این مطلب دارد که نباید نسبت به هیچ یک از طوایف مردم اعم از مسلمان و غیر مسلمان برخورد خشن داشته باشی یا به حسب جنبه حکومتی دریافت مالیات بیشتر تحمیل نمایی زیرا مردم همه مساوی با تو هستند و هیچ یک را نباید برتری بدهی.

این دستور به عنوان یک منشا و مبنا برای برخورداری گروه های مختلف مردم از حق برابری و تساوی در نظام اسلامی محسوب می شود. به عبارت دیگر باید شهروندان در نظام اسلامی احساس کنند دستگاه ها و نهادهای حاکمیتی همه مردم را به یک چشم می نگرد و کسی را بر دیگری برتری نمی دهد.

از دیدگاه اسلام، افراد بشر به لحاظ خلقت و انسان بودن با هم برابرند و برهمین مبنا از حقوق انسانی برابر و مساوی نیز برخوردار هستند. اسلام برخلاف نظام های طبقاتی که برای افراد هر طبقه، امتیازات و حقوق موهوم و بی دلیلی را جعل نموده و بی جهت بین افراد بشر تبعیض قائل هستند، انسانها را از نظر حقوق، مساوی می داند.

پیامبر اسلام(ص) می فرماید: "مردم مانند دندانهای شانه با هم برابرند." (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۵۷۹)، و نیز علی(ع) می فرماید: "باید وضع مردم در مورد حق در نزد تو برابر و یکسان باشد." (نهج البلاغه، نامه ۵۹).

یکی از عواملی که سبب تبعیض و در نتیجه، تضییع حقوق افراد می شود دوری یا نزدیکی آنها به صاحب منصبان و دست اندرکاران حکومتی است.

علی (ع) چنین ملاکی را مردود دانسته و می فرماید: "حق را در مورد هرکسی که بایسته است - دور یا نزدیک - اجرا کن." (همان)

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز مردم ایران را دارای حقوق مساوی دانسته است. در اصل نوزدهم این قانون آمده است: "مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود."

در اصل بیستم این قانون، باز آمده است: "همه افراد ملت، اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند."

بنابراین بر حکومت اسلامی لازم است که از طریق قانونگذاری و قضاوت و اجرا، ساز و کاری اتخاذ کند که حقوق مساوی مردم، محافظت و از گزند دستبردها حفظ شود. پلیس نیز به عنوان یکی از نهادهای حاکمیتی که به صورت روزانه و متراکم با اقشار گوناگون مردم در ارتباط است باید به این حق تساوی و برابری توجه نماید و هیچ یک از اقشار مردم را بر دیگری برتری ندهد. در رفتار و منش و شیوه برخورد با همه مردم از هر قشر و صنفی هستند برخوردی با احترام و مساوی داشته باشد. پلیس در نظام اسلامی نباید با کسانی که از طبقه محروم و مستضعف جامعه هستند برخوردی تبعیض آمیز نسبت به ثروتمندان و متمکنان داشته باشد.

## ۶-۱-۲-۲- حق تظلم خواهی

به طور معمول مردم در همه کشورهای دنیا در هنگام تعرض به جان، مال، ناموس خود در مرحله اول به پلیس مراجعه می کنند و از پلیس تقاضای کمک و یاری می طلبند. بنابراین یک عرف و حق مسلم انسانی است که در عقلای عالم به آنها احترام گذاشته اند و حکومت‌های مختلف فارغ از هر نوع و دینی، یکی از وظایف پلیس را رسیدگی فوری به درخواست های کمک از سوی مردم می دانند. بر این اساس باید پلیس در نظام اسلامی به این حق عمومی توجه داشته باشد و به بهترین نحو و در سریع ترین زمان ممکن نیروهای خود را جهت کمک رسانی به شهروندی که مورد تعرض قرار گرفته است برساند.

جنبه دیگر احیای حق تظلم خواهی از سوی پلیس، تشکیل «پلیس قضایی» است. از این رو در این قسمت از بحث مناسب است اشاره ای به نهاد پلیس قضای و پیشینه آن و همچنین فواید آن در نظام اسلامی داشته باشیم.

اصطلاح پلیس قضایی مربوط به نظام حقوقی کنتینانتال (قاره‌ای) است که در رأس آنها فرانسویان قرار دارند. این اصطلاح از آن جهت انتخاب شده است که دستگاه و مأمورین پلیس آنگاه که به نمایندگی قانونی دستگاه‌های قضایی تعقیب و تحقیق می کنند، از معلومات قضایی مورد نیاز برخوردار هستند. مترادف اصطلاح پلیس قضایی اصطلاح دیگری است به نام پلیس جنایی (Criminal Police) که در کشورهای اروپایی دیگر مانند آلمان و اتریش و در تمام کشورهای پیرو نظام حقوقی انگلوساکسون به کار می رود.



از آنجا که حرفه پلیس کنجکاوی، جستجو، کشف و کندوکاو است، نیروهای پلیس از بدو استخدام باید شرایط روانی و حتی بدنی متناسب با این حرفه را دارا باشند تا بتوانند در کشف جرایم موفق شوند.

مأمورین پلیس جنایی که به کار قضایی یا نیمه قضایی می پردازند عنوان (Criminal Investigation) به خود می گیرند.

حدود اختیارات مأمورین پلیس جنایی نظام انگلوساکسون از اختیارات مأمورین پلیس قضایی فرانسه بیشتر است و علت آن اتهامی بودن سیستم رسیدگی از یک سو و نبودن سمت بازپرس از سوی دیگر است؛ چرا که پلیس جنایی تمام کارهای فنی و علمی کشف جرم را به اضافه اختیارات قضایی یا نیمه قضایی داراست.

در مجموع چه پلیس قضایی و چه پلیس جنایی در هر دو نظام تابع نظام دادستانی هستند و تحت تعالیم قضات تحقیق و تعقیب (نظام فرانسوی کتینانتال) و قضات تعقیب (دادستانها در نظام حقوقی انگلوساکسون) کار می کنند.

### ۳- حقوق پلیس

#### ۱-۲-۳- حق برخورداری از کرامت

نیروهای پلیس در نظام اسلامی طبیعتاً از میان مسلمانان انتخاب می شوند بنابراین آنها نیز دارای حق برخورداری از کرامت و احترام هستند. همانطور که خداوند متعال از کرامت انسانی سخن گفته است: «و لقد کرمنا بنی آدم...» باید مردم نیز همواره به این اراده و خواست الهی احترام بگذارند و به یکدیگر احترام بگذارند.

بنابراین یکی از حقوق پلیس در نظام اسلامی حق برخورداری از کرامت و احترام است و توهین و اهانت به پلیس، ناشایست و ممنوع است. بر اساس قوانین موضوعه ایران توهین به مأموران پلیس جرم محسوب می شود. ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) این موضوع را جرم دانسته و آورده است، «هر کس با توجه به سمت ... کارکنان وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها در حال انجام وظیفه یا به سبب آن توهین نماید به سه تا شش ماه حبس و یا تا ۷۴ ضربه شلاق و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شود.»

همچنین اگر توهین و اهانت منجر به ضرب و شتم و ایجاد جراحت برای مأمورین پلیس بشود نیز مشمول مجازات سنگین تری می باشد. (ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی)

البته قانونگذار از جنبه خصوصی جرم هم غافل نبوده و گفته است که «در صورت درخواست مجنی علیه مرتکب به پرداخت دیه نیز محکوم می شود.»

در موضوع گفته شده، هرچند هرگونه ضرب و جرح نسبت به هرکدام از آحاد جامعه ممکن است رخ بدهد اما به طور کلی اگر ضرب و جرح نسبت به مأموران دولتی و آن هم در حین انجام وظیفه باشد، بالتبع، اخلال در نظم و امنیت جامعه تلقی می شود و قانون به سادگی نمی تواند از کنار آن رد شود و همان طور که گفته شده، قانونگذار چنین رفتاری را مشمول مجازات زیادی دانسته است.

اعتماد یکی از مهمترین پایه های استقرار و تداوم حکومت ها محسوب می شود. اگر اعتماد عمومی به حاکمان، کارگزاران و ماموران دولتی از جمله نیروهای پلیس از دست برود، جامعه دچار مشکلات فراوانی خواهد شد. بنابراین اعتماد یکی از مهمترین عناصری است که بقا و حیات جامعه و حاکمیت در گروی آن است.

از سوی دیگر اگر پلیس مورد اعتماد مردم نباشد همواره در انجام وظایف قانونی خود دچار مشکل می شود و مردم با او همکاری نخواهد کرد بنابراین و باتوجه به لزوم انجام وظایف قانونی توسط پلیس، پلیس باید مورد اعتماد مردم باشد وگرنه عملکرد او دچار اختلال می شود و در نتیجه جامعه دچار مشکلات و مفسدات فراوانی می گردد. اما برای لزوم اعتماد به پلیس علاوه بر توجه به نقش پلیس در ایجاد نظم و امنیت و اجرای قانون باید به این مهم توجه داشت که طبق آموزه های دینی همه مردم سفارش و توصیه به حسن ظن نسبت به برادران ایمانی خود شده اند که از جمله مومنین، نیروهای پلیس در نظام اسلامی می باشد. خدای متعال در قرآن کریم می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری از گمان ها بپرهیزید که پاره ای از گمان ها گناه است» (حجرات/۱۲) نیز فرموده است: « ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید» (حجرات/۱۳)

از سخنان گهربار امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه است که می فرمایند: «از بین بردن اعتماد، به مجرد گمان [بد] از عدالت نیست».

بنابراین یکی از حقوق پلیس که باید مورد توجه مردم قرارگیرد اعتماد و حسن ظن به پلیس در نظام اسلامی است. چه اینکه به تصریح آیات و روایات اسلامی، سوء ظن نسبت به برادران ایمانی از جمله مامورین پلیس در نظام اسلامی از مصادیق افعال حرام محسوب می شود.

### ۳-۲-۳- حق برخورداری از نصیحت مردم

در ابتدای امر شاید به نظر برسد این حق در واقع از حقوق مردم بر عهده پلیس محسوب شود لکن با دقت و بررسی آموزه های دینی می بینیم علاوه بر حق مردم، حق پلیس به عنوان یکی از کارگزاران نظام اسلامی و بخشی از زیر مجموعه حاکمیت اسلامی حق برخورداری از نصیحت مردم و مشور عمومی است. حضرت امیرالمومنین علی(ع) یکی از حقوق کارگزاران و حاکمان اسلامی را برخورداری از نصیحت و مشورت مردم می داند و می فرماید: « اما حقی که من بر شما دارم این است که ... در حضور و غیبت من خیرخواه من باشید» (نهج البلاغه، خطبه ۳۴) همچنین می فرماید: « از اظهار صریح سخن حق، یا مشورت به عدل، خودداری نکنید» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶) نیز می فرماید: « ولیکن از واجب ترین حقوق خداوندی بر بندگان این است که تا حد توان در نصیحت و راهگشایی هم بکوشند.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶)

بنابراین یکی از حقوق پلیس به عنوان کارگزاران نظام اسلامی حق برخورداری از نصیحت و مشورت مردم است.

### ۳-۲-۴- حق اعمال قانون

یکی از حقوق پلیس در نظام اسلامی، حق اعمال قانون است. این حق با توجه به حکم عقل و عقلا برای پلیس و نیروهای نظامی قابل اثبات است. عقل و عقلا حکم می کنند که پلیس مأمور نظم بخشی، حفظ امنیت شهروندان و اجرای قانون از سوی حاکمیت است بنابراین حق پلیس بلکه بالاتر وظیفه و تکلیف پلیس اعمال و اجرای قانون در صورت مشاهده تخلفات است. اگر پلیس چنین حق و تکلیفی نداشته باشد نظم عمومی دچار اختلال می شود و فقه اسلامی اختلال به نظام معیشت و زندگی مردم را ممنوع و حرام می داند. بنابراین از آنجایی که عدم اعمال قانون منجر به مفاسد زیاد و اختلال در زندگی و جامعه می شود، حرام است و بر این اساس اعمال قانون از سوی پلیس واجب می گردد و هنگامی که اعمال قانون واجب گردید، هیچ کس حق مقابله با واجب را ندارد و مقابله با واجب، ممنوع و حرام است. بنابراین از نظر فقهی و شرعی مردم باید به این تکلیف و حق پلیس احترام گذاشته و از اعمال قانون از سوی پلیس جلوگیری نکنند بلکه مشارکت حداکثری با پلیس در اعمال قانون داشته باشند.

همچنین با توجه به اینکه نیروی پلیس بخشی از حاکمیت محسوب می شود می توان حقوق حاکمیت بر مردم را در مورد پلیس نیز جاری دانست. یکی از حقوق حاکمیت بر مردم پذیرش دستورات و فرمانبرداری می باشد. حضرت امیرالمومنین علی(ع) در این باره می فرماید: «اما حقی که من بر شما دارم... هنگامی که شما را بخوانم به دعوت من پاسخ گوئید و زمانی که فرمان دهم، فرمان برید» (نهج البلاغه، خطبه ۳۴) و نیز می فرماید: «و بر شما واجب آید که طاعت من کنید، و چون شما

را فراخوانم درنگ نکنید، و در اجرای صلاح کوتاهی نورزید، و در راه حق در امواج دشواری ها فروروید.» (نهج البلاغه، نامه ۵۰)

در لسان حقوقی عدم فرمانبرداری از پلیس و جلوگیری از اعمال قانون توسط پلیس و اختلال در انجام وظیفه پلیس، «تمرد» محسوب می شود. بر اساس قوانین موضوعه ایران مأموران دولت (اعم از کارمندان و مأموران انتظامی) در حین انجام وظیفه از مصونیت برخوردارند و همگان باید برای اجرای قانون با آنها همکاری کنند. (ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی)

از آنجایی که تمرد از دستور مأموران ممکن است با جرایم دیگری نظیر توهین یا ضرب و جرح مأمور همراه شود، قانونگذار در تبصره ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی کرده است که «اگر متهم در هنگام تمرد مرتکب جرم دیگری هم بشود، به مجازات هر دو جرم محکوم خواهد شد.»

#### ۴. نتیجه گیری

در این تحقیق حقوق متقابل مردم و پلیس در نظام اسلامی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت که نتایج زیر حاصل گردید:

۱. بر اساس آیات و روایات اسلامی و همچنین قوانین موضوعه ایران مردم و پلیس دارای یک سلسله حقوق متقابل می باشند. (فرضیه اصلی)
۲. حق حیات، آزادی، عدالت و برابری، کرامت ذاتی انسان از جمله حقوق شهروندی است که مد نظر آموزه های دین مبین اسلام می باشد.

۳. از نگاه آموزه های اسلامی حق امنیت، حق اعتماد، حق برخورداری از کرامت، حق دسترسی به اطلاعات، برخورداری از حق برابری، حق تظلم خواهی؛ مهمترین حقوقی است که مردم بر پلیس دارند.

۴. بررسی آموزه های اسلامی حاکی از آن است که پلیس نیز بر مردم حقوقی دارد که عبارت است از: حق برخورداری از کرامت، حق اعتماد، حق برخورداری از نصیحت، حق اعمال قانون.

۵. قوانین ایران به طور گسترده ای به حقوق متقابل پلیس و مردم پرداخته است که به دو دسته کلان تقسیم می شود: حقوق شهروندی در مرحله پیشگیری از ارتکاب جرم، حقوق شهروندی در مرحله مقابله با جرم ارتكابی.

۶. بررسی قوانین موضوعه در ایران حاکی از آن است که تا حدی زیادی قوانین با آنچه که مدنظر اسلام بوده است مطابقت دارد و قانونگذاران سعی کرده اند قوانین در حوزه حقوق مردم و پلیس را با مباحث اسلامی انطباق دهند لکن هم چنان تا نقطه ایده آل فاصله ای وجود دارد.

۷. به نظر می رسد بیشترین مشکل در حوزه حقوق پلیس و مردم در نظام اسلامی به عدم آگاهی از این حقوق و عدم توجه به قوانین موضوعه در این خصوص و در سطح کلان غفلت از مبانی متعالی اسلامی است. هرچند نباید این حقیقت را انکار کرد که هنوز خलाهاى قانونی در این زمینه وجود دارد.

## منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳)، من لایحضره الفقیه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

امام سجاد(ع)، (۱۳۹۷)، رساله حقوق، تبیین و شرح: محمدباقر تحریری، قم، بوستان کتاب.

بابایی مهر، علی (۱۳۹۳): حقوق اداری ۲، جلد اول، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجلد

حبیب زاده، محمدجعفر و اسماعیل رحیمی نژاد (۱۳۹۵) ۱؛ «کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» پژوهشهای حقوق تطبیقی، دوره ۱۱، شماره ۴ (پیاپی ۵۴)، صص ۸۲-۵۲

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶): «عدالت و حقوق بشر»، مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۳۷، شماره ۳.

علیزاده اقدم، محمدباقر؛ فاطمه گلابی؛ اقبال مفاخری ابراهیم پور، ح؛ روشندل اربطانی، ط. و امیری، ع. (۱۳۹۱). «بررسی عوامل نگرشی مؤثر در تبیین اعتماد عمومی به پلیس (مطالعه موردی: پلیس تهران)»، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت انتظامی، سال هفتم، ش ۳، ص ۳۰۱-۳۰۷.



هاشمی، محمد (۱۳۸۲): حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، چاپ پنجم، تهران: میزان.

هداوند، مهدی و مسلم آقایی طوق (۱۳۸۹): دادگاههای اختصاصی اداری در پرتو اصول و آیین های دادرسی منصفانه، چاپ اول، تهران: خرسندی.

Hinds, L. Murphy, K. (۲۰۰۷) "Public Satisfaction with Police: Using Procedural Justice to Improve Police Legitimacy", *Australian & New Zealand Journal of Criminology*, ۴۰(۱): ۲۷-۴۲.

Hohl, K. (۲۰۱۱a) *The role of mass media and police communication in trust in the police: new approaches to the analysis of survey and media data*, London School of Economics and Political Science (LSE).

Hohl, K. (۲۰۱۱b) "The Role of the Mass Media in Public Trust in the Police Just Authority?" *Public Trust and Police Legitimacy*, J. Jackson, B. Bradford, E. Stanko and K. Hohl, Routledge, Forthcoming . Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=۱۹۲۸۵۲۲>.

Sunshine, J. and Tyler, T. R. (۲۰۰۳) "The Role of Procedural Justice and Legitimacy in Shaping Public Support for Policing." *Law & Society Review*, ۳۷(۳): ۵۱۳-۵۴۸.

Tyler, T. and Fagan, J. (۲۰۰۸) "Legitimacy and Cooperation: Why Do People Help the Police Fight Crime in Their Communities?", Ohio State Journal of Criminal Law, ۶:۲۳۱-۲۷۵.

Tyler, T. R. (۲۰۰۱a) "Trust and Law Abidingness: A Proactive Model of Social Regulation". BUL Rev, ۸۱: ۳۶۱.

Tyler, T. R. (۲۰۰۱b) "Public Trust and Confidence in Legal authorities: What do majority and minority group members want from the law and legal institutions?" Behavioral Sciences & the Law, ۱۹(۲) ۲۱۵-۲۳۵.

Tyler, T. R. (۲۰۰۵). "Policing in black and white: Ethnic group differences in trust and confidence in the police." Police Quarterly ۳(۳): ۳۲۲-۳۴۲.

Tyler, T.R (۲۰۰۶). Restorative justice and procedural justice. Journal of Social Issues, ۶۲, ۳۰۵-۳۲۳

. Moutouh, Hugues, (۱۹۹۹); «La dignité de l'homme en droit», R.D.P.

de Villiers, Michel ; Le Divellec, Armel, (۲۰۱۳); Dictionnaire du droit Théorie des droits de l'homme et progrès de la biologie constitutionnel, ۹e éd, Paris, Sirey.

Moutouh, Hugues, (۱۹۹۹); «La dignité de l'homme en droit», R.D.P.